

کرف بالام تعریف در حروف
 و رزند اندر حروف الف لام
 مثل الشمس القمران در مثال
 چارده حرفند شمسیه جدا
 سین شین صاد ضاد لام نون
 هم و فی الین ذکر نعم الثواب
چارده دیگر قمریه شمس
 عین غین فاء قاف کاف میم
 هم بود الاول الباقی الحمید
 چونکه دانستی قواعد از صفات
 واجبند آنها رزند قاریان
 و رزنان احکام از یک قصه
 بس مهم لازمند اندر کلام
 بر توطا هر سازم آنها در مقام
 کوش کن

احذر الجبل واهله ففیه عدم الفلاح

احکام التوین والنون الساکنه

الاظهار

کوش کن ای عاقل صاحب ادب
 نون ساکن چون رسد با حرف حلق
 حرف حلقه شش بود ای نور عین
 نیز نون حکم نون دار بدل
 تا نباشد بر تو مخفی ای عزیز
 نون توین در تلاوت هر کجا
 ساز اخفاش تا بواغنه مکر
 عنه اوازیت در بینی بود
 تا و تا و جیم دال ذال سین
 فاء قاف کاف دان تو در مثال
 هم بود عسید فلن شیخی قدیر
 ای برادر کس تو باشی در طلب
 بر توطا اظهار کنم نبود عجب
 خوب اظهارش بکن در شرح خلق
 پیا و همزه حاء خا و عین عین
 مثل من عندی و خیرات حسا
 حکم اخفا بیان سازیم نیز
 چون رسد با یازده حرف هجا
 دان تو تعداد حروف ای معتبر
 کن پسند این سرانه خود بینی بود
 زا و صاد ضاد طاء و شین
 لب تنالوا منذریم من نزال
 غیر اینها را بدین ترتیب گیر
 بانوا اظهار کنم بکشایلب
الاظهار الشفوی

له